

طراحی کودتای ۲۸ مرداد

دکتر حسین رفیع*

زمانه ، شماره ۵۶

بررسی چگونگی وقوع کودتا، به جهت ویژگی‌های آن، می‌تواند در شناسایی ساختار قدرت سیاسی و ارتباطات سیاسی یک کشور بسیار مفید واقع شود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حادثه مهمی در نحوه حضور نیروهای بیگانه و استعمارگر در مدیریت کشور محسوب می‌شود. بررسی این کودتای مرکب انگلیسی - امریکایی، که در فضایی بحرانی اجرا، و موفق شد به اهداف خود دست یابد، علاوه بر آشکار ساختن ضعف‌های نظام استبدادی، گویای توفیقات انقلاب و نظام اسلامی در از میان بردن آن‌هاست.

از اوایل قرن بیستم، براساس امتیازی که ویلیام ناکس دارسی در سال ۱۹۰۱ م از دولت ایران تحصیل نموده بود، انگلیسی‌ها به استخراج و بهره‌برداری از نفت ایران مشغول بودند. اما در سال ۱۳۳۹ ش، پس از آنکه پارلمان ایران قانون ملی کردن صنعت نفت را به تصویب رساند، تلاش‌های ایرانیان به نتیجه رسید.

هنگامی که متعاقب آن، دکتر محمد مصدق به نخست‌وزیری منصوب گردید، روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس وارد یک مرحله بحرانی شد. این دوره در ۱۳۳۲ با کودتای ۲۸ مرداد پایان گرفت. در واقع این رویداد یکی از حوادث عمده تاریخ سیاسی معاصر ایران است، زیرا از یک طرف برای اینکه کودتای یادشده نهضت ملی کردن نفت را به نابودی کشاند و از طرف دیگر بدین سبب که این کودتا به عنوان نقطه شروع توسعه نفوذ ایالات متحده در ایران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. کودتا نتیجه همکاری اینتلیجنس سرویس و سیا بود و اجرای آن با مشارکت مزدوران داخلی و نیروهای نظامی تسهیل گردید.

قدرت‌های خارجی و آماده‌سازی کودتا

نفت انگیزه اساسی آماده‌سازی کودتا بود. همان‌طور که گفته شد، در سال ۱۹۰۱ م مظفرالدین‌شاه، پادشاه ایران، امتیاز بهره‌برداری از نفت جنوب ایران را به مهندسی استرالیایی به نام ویلیام ناکس دارسی اعطا کرد. دارسی توانست از ۲۸ مه ۱۹۰۸، یعنی هفت سال پس از امضای قرارداد امتیاز، استخراج نفت ایران را آغاز کند و شرکت بهره‌برداری اولیه با کمک یک کمپانی انگلیسی (شرکت نفت برمه) از ورشکستگی نجات یافت. همچنین در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت انگلیس و فارس (Anglo - persian oil company)، که در سال ۱۹۳۳ کمپانی نفت انگلیس و ایران oil (Anglo-Iranian company) نامیده شد، بنیان‌گذاری گردید.^[1]

به دلیل اختلافات بین دو طرف، در سال ۱۹۳۲، دولت ایران امتیاز سال ۱۹۰۱ را لغو نمود. با وجود این، در آوریل ۱۹۳۳ قرارداد جدیدی که تا سال ۱۹۹۳ اعتبار داشت به امضای طرفین رسید.^[2] در ۲۱ اکتبر ۱۹۴۷ پارلمان ایران طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن دولت ماموریت می‌یافت در مواردی که تضحی نسبت به حقوق ایران در منابع نفتی بخش جنوبی کشور صورت گرفته باشد، اقدامات لازم را برای استیفای تمام حقوق ملت به عمل آورد.

متعاقب این طرح، دولت ایران با شرکت وارد مذاکره شد و نهایتاً در ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹ قرارداد بین آقای گس (Gass)، نماینده شرکت، و آقای گلشائیان، وزیر دارایی ایران، به امضا رسید.^[3]

برای بررسی این قرارداد یک کمیسیون پارلمانی در ۱۸ نوامبر به ریاست مصدق، رهبر جبهه ملی، تشکیل شد. این کمیسیون در دسامبر ۱۹۵۰ در خصوص قرارداد نظر منفی داد. در ۱۱ ژانویه ۱۹۵۱، پارلمان نظر کمیسیون را تأیید کرد و به آن مأموریت داد تا گزارش جدیدی ارائه کند که مشخص‌کننده اقداماتی باشد که باید انجام پذیرد.^[4] نهایتاً این کمیسیون قانون ملی شدن نفت در ایران را تصویب کرد که در ۱۴ مارس توسط مجلس شورای ملی و در ۱۹ مارس توسط مجلس سنا به تصویب رسید. در نتیجه صنعت نفت ایران پس از پنجاه سال ملی شد و در آوریل ۱۹۵۱ محمد مصدق نخست‌وزیر ایران گردید و قانون ملی شدن نفت را اجرا کرد.

شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت بریتانیا با این اقدام مخالفت کردند، اما موفق نشدند از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک به مقصود خود نائل آیند. انگلیسی‌ها می‌کوشیدند در اقدام خود علیه مصدق حمایت آمریکا را به دست آورند.

در این فاصله، انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده آمریکا برگزار گردید و آیزنهاور، کاندیدای حزب جمهوریخواه، جانشین ترومن شد. این واقعه هماهنگ با تمایل بریتانیا بود.

نهایتاً، هنگامی که آخرین پیشنهاد مشترک انگلیس و آمریکا را دولت ایران رد کرد، دولت بریتانیا موفق گردید دولت جدید آمریکا را متقاعد سازد که دولت مصدق به زیان غرب عمل می‌کند. این هماهنگی راه را برای اجرای کودتایی علیه مصدق هموار کرد.^[5]

تصمیم‌گیری بریتانیا برای سقوط مصدق

به گفته ویلیام روجر لوئیس، انگلستان فقط یک ماه و نیم پس از به قدرت رسیدن مصدق عملیات محرمانه خود را علیه وی آغاز کرد.^[6]

انگلستان تنها راه حل مساله نفت را خلع دولت مصدق می‌دانست که شرکت نفت انگلیس و ایران نیز با آن موافق بود. آقای جکسون (Jackson) در ژوئن ۱۹۵۱ برای مذاکره با مقامات ایران به تهران آمد، اما نتوانست هیچ نتیجه مساعدی به دست آورد. همچنین وی در کنفرانسی خبری در لندن اعلام کرد تا هنگامی که دولت دکتور مصدق قدرت را در ایران در دست دارد نمی‌توان به از سرگیری مذاکرات امیدوار بود.^[7]

در واری راه‌حل‌های دیپلماتیک، انگلستان به راه‌حل‌های غیرسیاسی نیز توجه نمود؛ از جمله: ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت که نتیجه‌ای حاصل نکرد. علاوه بر فشارهای اقتصادی بر ایران، بریتانیا می‌خواست در این کشور مداخله نظامی کند. به همین منظور، چهارهزار چترباز بریتانیا طی ده روز به مدیترانه شرقی فرستاده شدند. این دولت رزمناو ماریتوس (Maritus) و ناوهای ورن (Wren) و فلامینگو (Flamingo) را به سواحل ایران فرستاد و عراق به عنوان مرکز تمرکز نیروهای نظامی انگلیس برای حمله به ایران برگزیده شد.^[8]

اسناد منتشر شده توسط وزارت امور خارجه بریتانیا در دهه‌های اخیر توضیح می‌دهد که طرح اشغال آبادان را - که مرکز بزرگترین پالایشگاه نفتی در ایران و خاورمیانه است - بریتانیا طراحی و آماده کرده بود، اما قبل از شروع عملیات نظامی، موضوع با پرزیدنت ترومن مورد بحث قرار گرفت و رد گردید و دولت آمریکا نپذیرفت که در چنین اقدامی از بریتانیا حمایت کند.^[9] زیرا به اعتقاد ترومن، مداخله نظامی در ایران به حمله اتحاد شوروی می‌انجامید.^[10] هنگامی که بریتانیا از موثر واقع شدن راه‌حل‌های سیاسی برای بستن راه بر دولت مصدق ناامید گردید، کودتا را به عنوان یک راه

حل بررسی کرد. در ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۲، مصدق در خصوص وزارت جنگ با شاه اختلاف پیدا کرد و از نخست‌وزیری استعفا داد. متعاقب آن قوام‌السلطنه، که با انگلیسی‌ها هماهنگی بیشتری داشت، جانشین وی شد. جرج میدلتون (George Middleton)، کاردار وقت سفارت بریتانیا در تهران، بر این باور بود که قوام سیاست‌مداری بسیار باهوش است که می‌تواند گروه‌های مختلف پارلمانی در مجلس شورای ملی ایران را تحت نفوذ قرار دهد.^[11] در این زمان، و پس از مخالفت‌های شدید احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی، نمایندگان طرفدار مصدق، آیت‌الله کاشانی، رهبر مذهبی و با نفوذ در ایران، و بازار تظاهرات بزرگی در حمایت از مصدق سامان دادند که در آن تعدادی از تظاهرکنندگان کشته و زخمی شدند. لذا مصدق مجدداً پست نخست‌وزیری را در اختیار گرفت.^[12] میدلتون در گزارشی به وزارت امور خارجه بریتانیا، آورده است که برای جلوگیری از افتادن ایران به دامان کمونیسم، راه‌حلی که پیش می‌آمد کودتای نظامی بود.^[13]

اقدامات اولیه بریتانیا در خصوص طرح کودتا

انگلیسی‌ها فکر می‌کردند که مساله نفت را باید با سقوط مصدق حل کرد. همچنین طرح آن‌ها در مورد این سقوط، در همان زمان که چرچیل و ترومن پیشنهادات مشترک خود را در طی مذاکرات به دولت ایران ارائه می‌کردند در حال تهیه شدن بود.

هدایت نیروهای داخلی علیه دولت مصدق

برای درک برنامه‌ریزی انگلیسی‌ها به منظور به‌کارگیری گروه‌های ایرانی علیه دولت مصدق، باید اطلاعات ارائه‌شده توسط سی. ام. وودهاوس (C. M. Woodhouse) را مطالعه کرد. وی در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ در سفارت انگلیس در تهران کار می‌کرد و در ساماندهی عملیات هدایت‌شده علیه مصدق (عملیات چکمه) نقش داشت. وودهاوس توضیح می‌دهد که وی و همکارانش برای هدایت گروه‌های ایران علیه دولت کشور خودشان، چگونه عمل کردند. شایان ذکر است که همه همکاران وی از متخصصان جاسوسی در ایران بودند.

سه برادران رشیدیان، که نفوذ زیادی در پارلمان و در بازار داشتند، به طرح وودهاوس وارد شدند. در واقع، آن‌ها قادر بودند که مردم کوچه و بازار را هماهنگ با سیاست‌های بریتانیا جهت دهند. برادران رشیدیان افرادی ثروتمند بودند و یک سازمان شهری را که علیه مصدق توطئه می‌کرد رهبری می‌کردند. نیازهای مالی این سازمان را سفارت بریتانیا در تهران تأمین می‌کرد. همچنین برخی از ایرانی‌ها در خدمت بریتانیا بودند. به عنوان مثال، فردی که در جلسات هیات وزیران ایران شرکت می‌نمود، تصمیمات و مباحث محرمانه دولت مصدق را به سفارت بریتانیا گزارش می‌کرد.^[14] علاوه بر آن وودهاوس و همکارانش از همکاری روزنامه‌نگاران خارجی بهره‌مند بودند. او مخفیانه از طریق مرز عراق و با مقدار بسیاری سلاح به ایران وارد شد. این سلاح‌ها در اطراف تهران، زیر خاک پنهان گردید و در هنگام ضرورت آماده استفاده بود.^[15]

در ۲۲ اکتبر ۱۹۵۲، هنگامی که روابط دیپلماتیک انگلیس و ایران قطع شد، وودهاوس باید ایران را ترک می‌کرد. با وجود این، به لطف بریتانیایی‌های مقیم ایران و یک مامور سرویس مخفی این کشور، وی با واسطه‌هایی ایرانی در ارتباط بود. او دفتر جدیدی در قبرس ایجاد کرد که سرفرماندهی نظامی ایران آن را هدایت می‌کرد.

تلاش برای حصول همکاری ایالات متحده آمریکا

انگلیسی‌ها در حالی که از تایید ملی شدن صنعت نفت ایران خودداری می‌کردند، می‌کوشیدند با امریکا متحد شوند. از طرف دیگر مصدق نیز به کمک و حمایت امریکا امیدوار بود.

برای حل مساله نفت، امریکایی‌ها استفاده از دیپلماسی را ترجیح می‌دادند و هنگامی که بریتانیا تصمیم به اقدام نظامی در ایران گرفت، پرزیدنت ترومن با آن مخالفت کرد و برای برقراری گفت‌وگو بین طرفین، مشاور خود، آورل هریمان (Averell Heriman) را به ایران فرستاد، اما وی نتیجه‌ای حاصل نکرد.

دولت بریتانیا در تلاش سیاسی خود برای به دست آوردن همکاری دولت امریکا، روی خط نفوذ کمونیست‌ها در ایران تکیه می‌کرد. این دولت می‌کوشید ترس را از روح و جوهره امریکایی‌ها، که معتقد بودند سقوط مصدق کمونیست‌ها را به قدرت می‌رساند، بیرون کند.^[16]

در تعقیب این هدف، پس از قطع روابط انگلیس و ایران، وودهاوس عازم واشنگتن شد و کوشید مقامات امریکایی را متقاعد کند و حمایت سیا را جلب نماید. در این باب، وی خطر کودتا توسط حزب توده (حزب ایرانی کمونیست طرفدار شوروی) را خاطرنشان می‌کرد.^[17]

وقتی روزولت، رئیس عملیات سیا در خاورمیانه، از تهران بازمی‌گشت، برای مذاکره با مقامات انگلیسی در لندن توقف کرد و این برای اولین بار بود که طرحی که هدف آن سقوط دکتر مصدق بود با روزولت مورد بحث قرار گرفت.^[18] روزولت، به محض بازگشت به واشنگتن، نتیجه مذاکرات خود با مقامات انگلیسی در لندن را برای آلن دالس (Allen Dulles)، معاون سیا، توضیح داد. این مذاکرات بین طرفین محرمانه باقی ماند و پرزیدنت ترومن و آچسون (Acheson)، وزیر امور خارجه، از این مذاکرات مطلع نشده بودند، زیرا از یک طرف آچسون جذب مصدق شده بود و از طرف دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری، که بنا بود چندی بعد برگزار گردد، اجازه این تفکر را می‌داد که جمهوری‌خواهان به قدرت خواهند رسید و در نتیجه فاستر دالس (Faster Dulles)، برادر آلن دالس، به وزارت امور خارجه منصوب خواهد شد. به این دلیل، روزولت و آلن دالس نمی‌خواستند که دولت دموکرات، که به زودی جای خود را به رقیب می‌داد، در مسیری وارد شود که مواضعشان کمتر از جمهوری‌خواهان قاطع و مشخص بود.^[19]

با توجه به این وضعیت، وودهاوس نتیجه مساعدی از این مذاکرات حاصل نکرد و می‌بایست تا انتخابات ریاست‌جمهوری منتظر می‌ماند. در مورد همکاری انگلیس - امریکا، باید ما نگاه خود را متوجه این موضوع سازیم که لویی هندرسون (Loy Henderson)، سفیر امریکا در تهران، با انگلیسی‌ها همکاری می‌کرد، و وودهاوس، رئیس ام. آی. سیکس در ایران، بر آن تاکید کرده است. مصدق بر این باور بود که هندرسون حتی در توطئه ۲۸ ژانویه ۱۹۵۳ نیز دست داشته است. در آن روز، شاه ایران تصمیم گرفت به خارج از کشور مسافرت کند، مصدق نخست‌وزیر برای دیدار وی به کاخ شاه رفت. در آنجا وی پیغامی دریافت کرد مبنی بر اینکه لویی هندرسون به منظور مذاکره در مورد موضوعی فوری می‌خواهد وی را ملاقات نماید. در بازگشت، در حالی که مصدق از کاخ شاه خارج می‌شد، گروهی در اطراف قصر در حال تظاهرات بودند و می‌خواستند به وی سوء قصد کنند. مصدق بلافاصله از توطئه مطلع شد و از در دیگری خارج گردید و خطر مهاجمان را پشت سر گذاشت. مدتی بعد، او اظهار کرد که سفیر امریکا برای هیچ موضوع فوری به ملاقات وی نیامده بود.^[20]

در خصوص توطئه امریکایی - انگلیسی علیه مصدق، به نظر می‌رسد باید نکته دیگری را خاطرنشان کرد: هنگامی که آخرین پیشنهاد امریکا را، که می‌خواست مانع ملی شدن صنعت نفت شود، دولت ایران رد نمود، ایالات متحده عزم خود را در مقابل مصدق جزم کرد.

تهیه طرح نهایی کودتا

طرح کودتا را مقامات انگلیسی تهیه کرده بودند و وودهاوس، هنگامی که به امریکا بازگشت، خلاصه‌ای از طرح را با خود برد. براساس این طرح، انگلیسی‌ها از دو نیروی مجزا بهره می‌بردند: دسته اول سازمان شهری تحت هدایت برادران رشیدیان، متشکل از افسران عالی‌رتبه پلیس، چندین نماینده و سناتور، عده‌ای از روزنامه‌نگاران و سیاستمداران، و علاوه بر آن افراد ولگرد بودند. مقرر شده بود آن‌ها تهران را تحت کنترل درآورند و سپس مصدق و وزرایش را بازداشت کنند. عوامل دیگری که در طرح بریتانیا جای می‌گرفتند روسای قبایل جنوب ایران بودند که می‌بایست زمانی که سازمانهای شهری عملیات خود را شروع می‌کردند، در شهرهای بزرگ جنوب قدرت خود را به نمایش می‌گذارند. علاوه بر طرح کودتا، لیستی از پانزده سیاستمدار ایرانی، که مستعد جانشینی مصدق بودند، به مقامات امریکایی ارائه گردید.^[21]

با پایان یافتن انتخابات ریاست‌جمهوری، آیزنهاور به عنوان رئیس‌جمهور امریکا در دسامبر ۱۹۵۲ انتخاب گردید و کار خود را از ژانویه ۱۹۵۳ آغاز کرد و از فوریه ۱۹۵۳ مذاکرات جدیدی بین طرفین انجام شد. نمایندگان دولت بریتانیا و اینتلیجنس سرویس در ۳ فوریه در واشنگتن گرد آمدند و طرح عملیات مشترک تحت عنوان عملیات آجاکس (Ajax) مورد توافق قرار گرفت.^[22]

برای جانشینی مصدق، امریکایی‌ها ژنرال فضل‌الله زاهدی را انتخاب کردند. سپس تصویب نهایی طرح مدنظر قرار گرفت. در پایان مارس ۱۹۵۳ این طرح را چرچیل، نخست‌وزیر، و ایدن، وزیر امور خارجه بریتانیا، و همچنین آیزنهاور و جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه امریکا، تصویب کردند.

در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳، جلسه نهایی برای تصویب طرح اجرای کودتا در دفتر وزیر امور خارجه امریکا برگزار شد و امریکایی‌ها روی جزئیات طرح اجرایی کنکاش نمودند. این طرح را که به تصویب انگلیسی‌ها رسیده بود، امریکایی‌ها نیز تصویب کردند. جان فاستر دالس محتوای طرح را چنین خلاصه کرد: این طرح توضیح می‌داد که چگونه آن‌ها از دست مصدق خلاصی و رهایی خواهند یافت.^[23] پس از این تصویب نهایی، سیا مسئولیت اجرای طرح را به عهده گرفت و روزولت مامور فرماندهی عملیات کودتا شد.

پی‌نوشت‌ها

* عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

[1]- Mehdi Bahadori, Les investissements e'trangers et internationaux rn Iran depuis la premiere guerre mondiale, Universite Paris II (These soutenue), paris, 1974, P. 28

[2] - Ibid, P. 30

[3] - Malekeh Gmandriz Barad sar madi: La politique petroliere en Iran sous le gouvernement du DR Mossadegh, universite Montpellier 1, Montpellier, 1981, PP. 26-27

[4]- Ibid, P. 34

- [5] - بريان لپينگ، سقوط امپراتوري انگليس و دولت دكتور مصدق، ترجمه محمود عنایت، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۵، ص ۵۶
- [6] - جيمز بيل و ويليام روجر لوئيس، مصدق، نفت و ناسيوناليسم ايراني، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوي و کاوه بيات، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸، ص ۳۷۸
- [7] - غلامرضا نجاتي، جنبش ملي شدن صنعت نفت ايران و کودتاي ۲۸ مرداد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴
- [8] - سيدجلال الدين مدني، تاريخ سياسي معاصر ايران، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامي، ايران، بي تا، چاپ سوم، صص ۳۹۲-۳۸۴
- [9] - مارک جي. گازیوروسکی، کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتي، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷، ص ۲۲
- [10] - Jeffreys – Joneso Rhodri, The CIA and American democracy, Yale University press, U. S. A., 1989, P. 90
- [11] - بريان لپينگ، همان، ص ۵۰
- [12] - روزنامه اطلاعات، ۳۰ تير ۱۳۳۱
- [13] - بريان لپينگ، همان، ص ۵۱
- [14] - C. M. Woodhouse, something venture, Granada publishing, London, 1982
- فصل هاي ۸ و ۹ اين کتاب با مشخصات زیر به فارسي ترجمه شده است: عمليات چکمه، ترجمه فرحناز شکوري، چاپ دوم، انتشارات فرزانه، ايران، ۱۳۶۷.
- [15] - همان، صص ۳۴-۳۵
- [16] - آنتوني ايدن، خاطرات آنتوني ايدن، ترجمه کاوه دهقان، انتشارات فرزانه، ايران، ۱۳۵۷، ص ۲۸۸
- [17] - سی. ام. وودهاوس، همان، ص ۲۸
- [18] - کرمیت روزولت، کودتا در کودتا، ترجمه علي اسلامي، شرکت سهامی خاص، ايران، بي تا، صص ۱۱۶-۱۱۵
- [19] - The los Angeles Times, March 29, 1979
- [20] - محمد مصدق، خاطرات و تألمات دكتور مصدق، تهران، انتشارات علمي، ۱۳۶۵، صص ۱۸۵-۱۸۶
- [21] - سی. ام. وودهاوس، همان، صص ۳۸-۴۰
- [22] - Ibid, p. 147
- [23] - غلامرضا نجاتي، همان، ص ۳۳۳